

۱۳۶

سال سوم • شنبه ۶ تیر ۹۴  
۱۴۸ صفحه • ۵۰۰۰ تومان



رئیس جدید اتاق بازرگانی ایران چه دیدگاه‌هایی در حوزه اقتصاد دارد؟

# مداح رقابت

محسن جلالپور:

نگران دوره پس از تحریم هستیم  
زخم خورده تحریم و اقتصاد ناسالم هستیم  
اقتصاد ایران به رقابت نیاز دارد نه حمایت  
نهاد دولت را در شرایط فعلی کارآمد نمی‌بینم  
باید وظایف قوه قضائیه را در حوزه توسعه تعریف کنیم  
به سیاست‌های اقتصادی دولت بازدهم نقد جدی داریم  
خواستار آزادسازی هستیم و آن را مقدم بر خصوصی‌سازی می‌دانیم  
مسوولان چه فکری برای عوارض اجتماعی و اقتصادی بیکاری کرده‌اند؟

تصویرسازی: آرمحسن جلالپور که اجدادش جزو تبار سرشناس کرمان بودند  
طرح: آزاده پهلوان درجه ۱ هنرستان

بوی توافق

تحول بازارها نشانه نهایی شدن توافق است؟

تراز خونی

آیا خون راهم بد مصرف می‌کنیم؟

پوپولیسیم پارلمانی

نمایندگان چقدر در ائتلاف منابع نقش دارند؟

# توسعه یعنی همپایی نظام حقوقی - قضایی با نظام اقتصادی

خوانشی آزاد از درس گفتار محسن رنایی در دانشگاه اصفهان



محسن رنایی از اقتصاددانان نهادگرایی است که معتقد است بدون تحول در نظام حقوقی و بدون کارآمدی دستگاه قضایی، اقتصاد ایران نمی‌تواند خیز لازم را برای ورود به مرحله توسعه بردارد. او

معتقد است نظام حقوقی، به منزله بخش لجستیک نرم نظام اقتصادی عمل می‌کند که اگر این لجستیک نرم به خوبی عمل نکند نظام اقتصادی هرچقدر هم در آن سرمایه‌گذاری شود، نمی‌تواند وارد فاز صفر توسعه شود. در واقع رنایی توسعه را با شکاف حقوقی میان نظام حقوقی و قضایی کشور از یک سو و نظام اقتصادی از سوی دیگر تعریف می‌کند. از دیدگاه او توسعه یعنی کاهش شکاف فناوری (شامل دانش، روش و ابزار) میان بخش اقتصادی و بخش حقوقی-قضایی. رنایی رساله دکترای خود را نیز در حوزه نقش حقوق مالکیت در بهبود عملکرد نظام بازار تدوین کرده است. شناخت و گسترش مفهوم هزینه مبادله (با هزینه‌های معاملاتی) در فضای عمومی در ایران مدیون تلاش‌های رنایی به‌ویژه انتشار کتاب «بازار یا نابازار؟» است. در این نوشتار کوشش کرده‌ایم به طور خلاصه دیدگاه‌های محسن رنایی را در مورد نقش مالکیت در اقتصاد از برخی درس‌گفتارهای او در دانشگاه اصفهان استخراج و چکیده کنیم.

با تصمیمات متعدد می‌داند که هر کدام از تصمیمات آنها شامل تعداد زیادی مبادله می‌شود. هر مبادله نیز خود دادوستد بسته‌ای از حقوق مالکیت‌هاست. بنابراین از نظر او علم اقتصاد را می‌توان علم مطالعه نحوه دادوستد بسته‌های حقوق مالکیت دانست. در این صورت توسعه اقتصادی چیزی جز مبادله سریع، ارزان و راحت بسته‌های حقوق مالکیت نخواهد بود. درباره مسوولیت حفاظت از حقوق مالکیت نیز دو نظریه نظم‌دهی خصوصی و تمرکزگرایی قانونی وجود دارد. بر اساس نظریه نظم‌دهی خصوصی، کارفرمایان اقتصادی برای به دست آوردن منافع متقابل ناشی از مبادله، بدون ارجاع به نقش دولت، حقوق مالکیت را تعریف و از آن حفاظت می‌کنند. اما در نظریه تمرکزگرایی قانونی برخلاف نظریه نظم‌دهی خصوصی، اعتقاد بر این است که حقوق مالکیت را باید دولت تعریف و تضمین کند. اهالی این مکتب و نظریه، معتقدند حقوق مالکیت بدون تقویت قانونی برنامه‌ریزی و بدون در نظر گرفتن حق انحصاری دولت نمی‌تواند وجود داشته باشد. در کل می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظام اقتصادی جامعه و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن تعیین‌کننده مسوول حفاظت از حقوق مالکیت است. به نظر می‌رسد در ایران با وجود آثار فراوان اقتصادی حفاظت از حقوق مالکیت، قانونگذاران و نهادهای مسوول تعریف و تضمین حقوق مالکیت و به طور خاص دستگاه قضایی کشور باید توجه بیشتری به بحث حفاظت از حقوق مالکیت داشته و به ترکیب بهینه‌ای از مسوولیت حفاظت دست پیدا کنند. رنایی معتقد است اگر دستگاه قضایی دارای پنج ویژگی سریع، قاطع، ارزان، بی‌طرف و همه‌جا در دسترس باشد می‌تواند حقوق مالکیت، به ویژه حقوق فردی را تضمین کند تا علاوه بر سامان دادن به بسیاری از متغیرهای اقتصادی که در بالا ذکرشان رفت هزینه‌های مبادله در اقتصاد کشور، مان هم کاهش یابد.

کامل آن انگیزه سرمایه‌گذاری در عوامل انباشت‌شونده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هرگاه حقوق مالکیت به صورت ضعیف حفاظت شود، بین تولید نهایی سرمایه و نرخ بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذاران شکاف ایجاد خواهد شد. بنابراین در صورتی که بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذاران متفاوت باشد حتی با تولید نهایی یکسان سرمایه در دو کشور متفاوت، نرخ سرمایه‌گذاری کل یکسان نخواهد بود. رنایی در مطالعه‌ای نشان می‌دهد هرگاه دولت از قاعده مالی کسری تبعیت کرده و نرخ مالیات را بیش از نسبت معین و ثابت تعیین کند، در این صورت، افزایش مخارج اختصاص یافته به حفاظت از حقوق مالکیت، نرخ رشد اقتصادی در وضعیت تعادلی بلندمدت را کاهش و در غیر این صورت افزایش می‌دهد. بنابراین افزایش مخارج حفاظت از حقوق مالکیت، الزاماً نرخ رشد اقتصادی در وضعیت تعادلی بلندمدت را افزایش نمی‌دهد. در مطالعه گونزالز (۲۰۰۷)، این نتیجه به صورت نظری و بر اساس نظریه نظم‌دهی خصوصی به دست آمده است. در حالی که بر اساس دیدگاه تمرکزگرایی قانونی انجام یافته است. همچنین نتایج حاصل از شبیه‌سازی الگوی تدوین شده نشان داد که برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی حداقل دو درصد، به سهم مخارج حفاظت از حقوق مالکیت بیش از ۳۵ درصد نیاز است. این در حالی است که سهم مخارج حفاظت از حقوق مالکیت در ایران طبق پژوهشی که رنایی در سال ۱۳۸۶ انجام داده است در حدود ۵/۸ درصد است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با وضعیت فعلی میزان مخارج حفاظت از حقوق مالکیت در اقتصاد ایران، دسترسی به وضعیت تعادل بهینه بلندمدت تقریباً غیرممکن است. از سوی دیگر کوز، اقتصاددان برجسته معتقد است، تعریف واضح و روشن از حقوق مالکیت و حفاظت از آن برای کارایی فعالیت‌های اقتصادی لازم است. انحرافات در بازار ناشی از عوارض خارجی را می‌توان در دنیای با اطلاعات کامل، مدیریت دقیق و اجرای قراردادهای و هزینه مبادله پایین با تعریف واضح حقوق مالکیت برطرف کرد. در تعریفی که رنایی از اقتصاد می‌دهد اقتصاد را مجموعه‌ای از خانوارها و بنگاه‌های

بانک جهانی برای توسعه اقتصادی کشورهای فقیر جهان بر اهمیت حفاظت از حقوق مالکیت و تضمین آن تاکید می‌کند - در کتاب اولسون توسعه اقتصادی در دنیای جدید با دو شرط زیر تضمین می‌شود:

۱- افراد باید مجموعه‌ای وسیع از حقوق تضمین شده (حقوق مالکیت و قرار دادها) داشته باشند.

۲- مالکان نباید از غارت بخش خصوصی یا دولتی رنج ببرند. رنایی همانند هر ناندو دوسوتو، اقتصاددان برجسته آمریکایی جنوبی، معتقد است تنها راه رهایی کشورهای فقیر از فقر و استفاده مولد از دارایی‌های خود و تبدیل دارایی‌ها به سرمایه، تعریف حقوق مالکیت خصوصی و حفاظت از آن است. تمامی تعاریف مربوط به مالکیت، اهمیت این موضوع را در فرایند رشد و توسعه اقتصادی به ذهن متبادر می‌سازد.

در این مورد باید به دو سوال اساسی پاسخ اساسی داد تا قدری فضای حقوقی امروز ایران و تاثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی مشخص شود.

۱- چه کسی باید تعریف، تضمین و حفاظت از حقوق مالکیت را بر عهده گیرد تا رشد اقتصادی در کشور تسریع شود؟

۲- حفاظت از حقوق مالکیت و تعریف مناسب حقوق، چه آثار اقتصادی به دنبال خواهد داشت؟

هر چند اقتصاددانان در تعریف حقوق مالکیت به اجماع رسیده‌اند اما برخی اوقات اقتصاددانان با حقوقدانان در این تعریف اختلافاتی دارند. مثلاً کال و گروسمن (۲۰۰۱)، تشریح می‌کنند که چگونه اقتصاددانان گاهی اوقات تعاریف متعارفی از حقوق مالکیت در مقایسه با حقوقدانان ارائه می‌دهند و اینکه چگونه این تعاریف مختلف و اگر اباعت می‌شود که به تحلیل‌های اقتصادی لطمه وارد شود و منجر به فهم اشتباه بسیاری از مطالب اقتصادی شود. داگلاس نورث، نویسنده اقتصاددان اما حقوق مالکیت را حقوق افراد برای بهره‌مندی از منابع کار تحت تملک خود یا بهره‌مندی از منافع کالاها و خدماتی که آنها را مصرف کرده‌اند تعریف می‌کند. حقوق مالکیت حفاظت‌شده از کانال‌های متعددی بر اقتصاد اثر می‌گذارد. در برخی از مطالعات تاثیر حقوق مالکیت تضمین شده بر فعالیت‌های کارآفرینی و فناوری، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، انباشت عوامل اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پس‌انداز، تجارت، رانت‌جویی و حکمرانی و انباشت سرمایه اجتماعی و استفاده کار از منابع مورد بررسی نظری و تجربی قرار گرفته است.

تعریف رسمی حقوق مالکیت در واقع یکپارچه کردن نظام مالکیت به معنای ادغام بخش خارج از قانون در بخش رسمی از شش کانال بر تولید و انباشت سرمایه از انواع مختلف، تاثیر گذار است:

■ تعیین قوت بالقوه اقتصادی دارایی‌ها ■ پاسخگو کردن مردم ■ جمع‌آوری اطلاعات پراکنده در یک نظام ■ معاوضه‌پذیر کردن دارایی‌ها ■ شبکه‌بندی مردم ■ حمایت از معاملات.

داگلاس نورث در این خصوص معتقد است نامنی حقوق مالکیت باعث می‌شود بنگاه از روش‌های فنی با سرمایه اندک و بدون نیاز به عقد قراردادهای درازمدت استفاده کند. در این صورت بنگاه‌ها به جز بنگاه‌های تحت حمایت و مدیریت دولت کوچک خواهند شد. از این تحلیل نورث می‌توان چنین نتیجه گرفت که حفاظت کامل از حقوق مالکیت و امنیت ناشی از آن باعث انباشت بیشتر سرمایه خواهد شد. نورث شواهد تاریخی چنین امری را انگلستان قرن هفدهم می‌داند که در آن زمان افزایش امنیت حقوق مالکیت منجر به گسترش سریع بازارهای سرمایه، خصوصی و دولتی شد. نورث حتی میان ساختار پذیرفته‌شده حقوق مالکیت و اجرای قراردادهای با کاهش عدم اطمینان یا حذف